

Critical Analysis of Interpretive Opinions Regarding the Phrase "Fa'amsikūhunna" in Qur'anic Verses

Mahboubeh
Mousaeipour 

Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith
Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Extended Abstract

1. Introduction

One of the critical aspects of interpreting Qur'anic verses is understanding the vocabulary and its semantic implications in historical contexts, as well as its functional significance within the Qur'anic framework. This approach enables a comprehensive interpretation of Qur'anic verses by uncovering all semantic layers of the words. Additionally, considering the context (*sīyāq*) of verses and the thematic structure of surahs alongside lexical analysis contributes to a deeper understanding of the Qur'an's profound message.

The phrase "*Fa'amsikūhunna*" (فَأَمْسِكُوهُنَّ), derived from the root *m-s-k* (مَسَكَ), appears in three verses of the Qur'an. Interpretive opinions, particularly concerning verse 15 of Surah al-Nisā', have raised significant questions and debates. Most exegetes have interpreted this phrase as house confinement as a prescribed punishment, which was later abrogated and replaced by penalties such as flogging or stoning (*rajm*). While this interpretation relates to severe issues like adultery and betrayal, it provokes serious inquiries: Does the punishment for family-related transgressions—especially considering the Qur'an's emphasis on preserving family integrity—equate to penalties prescribed for "*al-zānī wa al-zāniyah*" (الزاني والزانية), referring to men and women known for committing adultery? Furthermore, how does perpetual house confinement (prior to abrogation), which implies lifelong imprisonment for women, contribute to family preservation or foster compassionate relationships

* Corresponding Author: m.mousaeipour@pnu.ac.ir

How to Cite: Mousaeipour, M. (2025). Critical Analysis of Interpretive Opinions Regarding the Phrase "Fa'amsikūhunna" in Qur'anic Verses, *Journal of Seraje Monir*, 16(50), 89-110. DOI: 10.22054/ajsm.2024.77007.1987

between spouses affected by betrayal? Is the prevalent literal interpretation sufficiently precise? Could alternative meanings be proposed based on robust evidence?

2. Literature Review

No independent study has been found regarding the semantics and analytical interpretation of this phrase in Qur'anic verses. However, two published studies address verses 15 and 16 of Surah al-Nisā':

1. *A Comparative Study of Abrogation from the Perspective of Allameh Tabatabai and Ayatollah Khoei* by Seyyede Farnaz Ettehad, published in *Pajouheshnameh Ta'wilāt Qur'ānī* (Spring-Summer 2022). This study merely discusses the views of these two scholars on abrogation in these verses.
2. *Analysis of Apparent Contradictions in Verses Related to Punishment for Adulterous Women* by Abdoljabbar Zarghoosh-Nasab, published in *Pajouheshnameh Ma'ārif Qur'ānī* (Winter 2017). This article attempts to reconcile interpretive opinions but lacks focus on lexical analysis or contextual examination of the phrase under discussion.

In these studies, the authors did not focus on the conceptual analysis of the phrase in question from lexicological, contextual (*sīyāq*), and structural perspectives within the verses and surah. Thus, this study distinguishes itself by concentrating on lexical semantics, context, and thematic structure within the surah.

3. Methodology

This research employs a descriptive-analytical method, focusing on the semantics of "*Fa'amsikūhunna*" within Qur'anic interpretations. It examines its lexical meaning and semantic scope across Qur'anic usage while reflecting on contextual elements to provide a clearer interpretation, particularly regarding verse 15 of Surah al-Nisā'.

4. Results

An analysis of context, thematic structure, and sequence within verses containing this phrase indicates that these verses emphasize preserving Islamic families by outlining proper behavior and interactions between spouses under various circumstances to prevent family disintegration. Lexical analysis and careful examination of the semantic range of the root "*m-s-k*" (مسك) in the Qur'an reveal that the core meaning of this

term encompasses retention and preservation accompanied by attention and care. This semantic nuance is particularly relevant and noteworthy in verses pertaining to spousal relationships.

6. Conclusion

Based on the analysis conducted, with careful consideration of the surah's structure, the verse's context, and a focus on the lexical meaning, it can be concluded that the directive of confinement in homes mentioned in verse 15 of Surah al-Nisā' serves as a preventive measure. This ruling aims to prevent the recurrence of infidelity by women within Islamic families, emphasizing care and attentive supervision to create conditions for repentance, reform, and eventual release from perpetual confinement.

In essence, the verse addresses the ruling concerning married women in Islamic families who commit sexual infidelity. It highlights the critical responsibility of the husband in such cases: if his wife engages in such misconduct, he is instructed to keep her within the home. However, this confinement is not merely punitive; rather, it involves emotional care and attention as a first step to help her recognize her error and guide her back to shared marital life and commitment. This interpretation underscores the Quran's focus on familial preservation and reconciliation over purely punitive approaches.

Keywords: Qur'anic Verses, Fa'amsikūhunna, Interpretations, Critical Analysis, Meaning.

واکاوی و نقد نظرات تفسیری پیرامون فراز «فَأَمْسِكُوهُنَّ» در آیات قرآن

محبوبه موسائی پور  * | استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

کاوش در حوزه معنایی واژگان و تأمل در کاربرست قرآنی آنان با دقت در سیاق آیات، از ساحت‌های مهم در تفسیر قرآن است که در فهم آیات نقش بسزایی دارد؛ چرا که هر معنا بازخورد و نتیجه تفسیری و گاه فقهی متفاوت در حوزه انحصاری خویش دارد. فراز «فَأَمْسِكُوهُنَّ» در سه آیه از آیات قرآن تکرار گردیده است و یک مورد آن که در آیه ۱۵ سوره نساء، با عبارت «فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ» آمده، محل مناقشه فراوان قرار دارد. عموم مفسران آن را به معنی حبس در خانه و به عنوان حدی که بعدها منسوخ شده، دانسته‌اند. این پژوهش با درنگ در معنای لغوی فراز و توجه به گستره معنایی آن در قرآن و نیز با تأمل در سیاق آیات به کنکاش در فهم دقیق آن پرداخته است. نتیجه حاصل، نشان می‌دهد که این فراز همچون دو فراز دیگر و نیز در اشتراک معنایی با دیگر مشتقات قرآنی خود، در معنای نگهداشت و مراقبت با توجه، کاربرد داشته و در آیه مورد بحث نیز با تأیید سیاق آیات قبل و بعد و بافت سوره، به همین معنا جهت حفظ خانواده اسلامی از فروپاشی با اولین خطا و خیانت به کار رفته است. این معنا تصریحی در اثبات حد بودن فراز یاد شده نداشته و صرفاً جنبه پیشگیرانه دارد؛ به همین جهت هیچ نسخی نیز اتفاق نیفتاده است.

کلیدواژه‌ها: آیات قرآن، معنا، امساک، نقد و بررسی.

مقدمه

از جمله ساحت‌های مهم در تفسیر آیات قرآن، توجه به واژگان و بار معنایی آن‌ها در گذشته و آنچه بوده‌اند و نیز کارکرد آن‌ها در بستر بافت قرآن است تا آیات قرآن با توجه به کشف تمام لایه‌های معنایی لغات تفسیر گردند. همچنین توجه به سیاق آیات و بستر سوره در کنار توجه به لغت و واژگان، به درک عمیق‌تر پیام قویم قرآن یاری می‌رساند.

فراز «فَأَمْسِكُوهُنَّ» از ریشه «مَسَكَ» در سه آیه از قرآن به کار رفته است که نظرات تفسیری به خصوص در یک آیه (۱۵ سوره نساء)، محل تأمل و پرسش‌های فراوان است؛ عموم مفسران آن را به معنی حبس در خانه و به عنوان حدی که بعدها منسوخ و با احکامی همچون شلاق و رجم (سنگسار شدن) جایگزین شده، دانسته‌اند. این امر اگرچه به مسئله حاد خیانت و زنا مربوط می‌شود، اذهان بسیاری را با این سؤال‌های جدی روبه‌رو می‌کند که آیا مسئله خطا و اشتباه در حوزه خانواده و روابط بین همسران آن هم با آن نگاه ویژه و اهمیت بسیاری که قرآن به موضوع حفظ خانواده دارد؛ با حدود شلاق و رجم که به تعبیر صریح قرآن برای «الزانی و الزانیة» به معنی مرد و زنی که مشهور به ارتکاب زنا هستند، برابری داشته و کیفر آنها یکی دانسته شده است؟ اصولاً حکم حبس در خانه تا آخر عمر (قبل از منسوخ شدن) به عنوان حد که معنای التزامی خشم و به تعبیری زندانی شدن دائمی زن را در پی دارد، چه کمکی به حفظ خانواده و مهم‌تر از آن، ایجاد روابط رحمانی بین زوج آسیب دیده از خیانت دارد؟ و آیا این تفسیر از آیه، موافق با مسئله حقوق زن در اسلام بوده و در تضاد با حق آزادی مشروع زنان آن هم در روزگاری که ضدتبلیغ‌هایی در راستای اسلام‌هراسی با کلید واژه‌هایی همچون خشونت علیه زنان، وجود دارد، نیست؟ آیا برداشت ظاهری رایج از آیه از دقت کافی برخوردار است و آیا نمی‌توان با تکیه بر مستندات لازم، معنایی دیگر از آیه ارائه داد؟

از این رو مذاقه در درک مفهوم آیه، ضروری می‌نماید تا رهیافت نظری و کاربردی از پیام قرآن به ویژه با اهتمام در نیاز مخاطبان بر مقتضای زمانه، ارائه شود و با مذاقه در کشف مقصود اصلی آیه، نگاه زیبایی قرآن به حقوق زنان و نیز موضوع خانواده تبیین شده

و دانش تفسیر، بیشتر روشنگری کند. بدین قرار، پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم فراز «فَأَمْسِكُوهُنَّ» در تفاسیر به روش توصیفی تحلیلی و با بررسی معناشناسانه و با ادله و مستندات دیگر سعی کرده تا تفسیر و مفهوم روشنتری از آن به خصوص در آیه ۱۵ نساء ارائه دهد.

درباره معنا شناسی و تفسیر تحلیلی این فراز از آیات قرآن، پژوهش مستقلی یافت نشد. تنها در مورد آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء دو پژوهش به چاپ رسیده است که یکی با عنوان «بررسی تطبیقی نسخ از منظر علامه طباطبائی و آیت‌الله خوئی» نوشته سیده فرناز اتحاد، نشر یافته در دو فصلنامه تخصصی پژوهشنامه تاویلات قرآنی بهار و تابستان ۱۴۰۱ است که در آن، نویسنده فقط به ذکر نظر دو مفسر یاد شده در مسئله نسخ در آیات ذکر شده پرداخته و دیگری مقاله «واکاوی تعارض ظاهری آیات مربوط به حکم زانیه» توسط عبدالجبار زرگوش نسب نشر یافته در پژوهشنامه معارف قرآنی زمستان ۹۶ است که نویسنده سعی در جمع نظرات تفسیری مفسران نموده است. در هر دو پژوهش نویسندگان تمرکزی بر مفهوم شناسی فراز مورد بحث از حیث لغت شناسی، سیاق و بستر آیات و سوره نداشته و بنابراین نگاشته حاضر از این جهات با پژوهشهای ذکر شده متفاوت و در نوع خود بدیع است.

کارکرد لغوی فراز «فَأَمْسِكُوهُنَّ» در قرآن

عبارت فَأَمْسِكُوهُنَّ از ریشه مَسَكَ گرفته شده که این ریشه ۲۷ بار در ۱۷ سوره و ۲۴ آیه قرآن آمده است که در جدول ذیل، همه موارد ذکر شده است.

بقره/۲۲۹	أَلْطَّاقُ مَرَّتَانٍ فَأَمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ
بقره/۲۳۱	وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا
بقره/۲۵۶	لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
نساء/۱۵	وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاَسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةٌ مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ

حَتَّى يَتُوفَاَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا	
مائده ۴/ .. فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ ...	
اعراف/ ۱۷۰ وَالَّذِينَ يُمْسِكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ...	
نحل/ ۵۹/ .. أَيْمُسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ..	
نحل/ ۷۹/ أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ..	
اسراء/ ۱۰۰/ قُلْ لَوْ أَنَّكُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ..	
حج/ ۶۵/ .. وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ..	
لقمان/ ۲۲/ .. فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى..	
احزاب/ ۳۷/ ... أَمْسَكَ عَلَيْكَ زَوْجَكَ...	
فاطر/ ۲/ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ..	
فاطر/ ۴۱/ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ..	
ص/ ۳۹/ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ..	
زمر/ ۳۸/ ... هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتٌ رَحْمَتِهِ..	
زمر/ ۴۲/ ... فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ..	
زخرف/ ۲۱/ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ	
زخرف/ ۴۳/ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ..	
ممتحنه/ ۱۰/ ... وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ...	
طلاق/ ۲/ .. فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ...	
ملک/ ۱۹/ ... مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ...	
ملک/ ۲۱/ ... إِنَّ أَمْسَكَ رِزْقُهُ..	
مطففين/ ۲۶/ خَتَامُهُ مِسْكٌ..	

از این میان فراز فَامْسُكُوهُنَّ به طور خاص در سه آیه از قرآن در سور بقره آیه ۲۳۱، نساء آیه ۱۵ و طلاق آیه ۲ به کار رفته است که در هر سه مورد، موضوع، زوجین و مسائل مربوط به آنهاست که تمرکز این پژوهش بر آراء تفسیری پیرامون همین سه آیه است، لذا به بررسی نظرات مفسران حول این آیات پرداخته می شود.

بررسی آراء تفسیری و تحلیل مفهوم اِمْسَاک در آیات مرتبط با زنان

آیه ۲۳۱ سوره بقره در مورد روابط زوجین با موضوع طلاق صحبت می کند و واژه اِمْسَاک

دو بار به شکل «فَأَمْسِكُوهُنَّ» و «وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ» در این آیه به کار رفته است که با کلمات معروف و ضرر همنشین شده است: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ.... وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضَرَارًا لِّتَعْتَدُوا...» «و چون آنان را طلاق گفتید و به پایان عدّه خویش رسیدند، پس بخوبی نگاهشان دارید... و [لی] آنان را برای [آزار و] زیان رساندن [به ایشان] نگاه مدارید تا [به حقوقشان] تعدّی کنید...»

به گفته عموم مفسران منظور از إمساك در این آیات، مراجعه و برگشت دوباره شوهر به همسر (بعد از طلاق رجعی) است که می‌تواند به دو قصد یا نیت باشد یا به معروف و همراه با علاقه راستین و به قصد اتصال و اجتماع و صلح بعد از کدورت یا از سر ضرر زدن به او و پرداخت نکردن حقوقش (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۵۸۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۷۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۱۴۳) برگشت این معنا در تفسیر به حکم دلالت التزام این معنای ضمنی را می‌رساند که إمساك، رفتاری از جانب مردان است که برای زنان فریبده بوده و نیت آنان مشخص نیست؛ کما اینکه برخی مفسرین در تبیین مقصود آیه، بر معنای مراجعه همراه با رغبت و اراده واقعی بر نگهداشتن همسر تاکید کرده‌اند (طبرسی، ج ۲: ۵۸۲؛ ابوالفتوح رازی، ج ۳، ص ۲۸۱؛ قرطبی، ج ۳، ص ۱۵۶)

دومین آیه مورد بحث، آیه ۱۵ سوره نساء است که فراز «فَأَمْسِكُوهُنَّ» در آن به کار رفته است:

«وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّكَ الْفَاحِشَةُ مِنْ نِسَائِكَ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» (۱۵/ نساء)

«و از زنان شما، کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه گیرید؛ پس اگر شهادت دادند، آنان [=زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد.»

عموم مفسرین موضوع آیه را بنا به قول مشهور، راجع به زنا می‌دانند و بر این نظرند که آیه، مربوط به زنای زنان ثیب (بیوه) یا زنان شوهردار است و حکم آیه توسط حکم رجم در سنت و تازیانه در آیه دوم سوره نور نسخ شده است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۳۷۱؛

واکاوی و نقد نظرات تفسیری پیرامون فراز «فَأْمْسِكُوهُنَّ» در آیات قرآن؛ موسائی پور | ۹۷

طوسی، بی تا، ج ۳: ۱۴۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۷۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۲۸۸؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۶۲ و ۳۶۳؛ خویی، ۱۳۹۳: ۹۸) در این میان برخی در اختلاف نظر با گروه اول آیه را در مورد همه زنان می‌دانند (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۹۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۴: ۵۸؛ نحاس، ۱۴۲۱، ج ۱: ۲۰۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۲: ۲۲) و برخی نیز در مخالفت با قول مشهور، موضوع آیه را در مورد زنا ندانسته بلکه با ذکر و تأیید نظر ابو مسلم اصفهانی موضوع آیه را مساحقه می‌دانند و یکی از دلایل رجحان این نظر را حفظ اصل عدم نسخ در قرآن و از جمله در این آیات خاطر نشان کرده‌اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹: ۵۳۱)؛ برخی مفسرین نیز فقط به ذکر اقوال مختلف بسنده کرده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۸۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۳۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۶۴ و ۶۵؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۵۸۲ و ۵۸۳).

در مورد معنای عبارت فَأْمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ نیز موضع جمهور مفسران یاد شده بر این قرار است که این امر قرآنی را به معنای حد و مجازاتی برای زنان خیانتکار مسلمان دانسته و به معنای حبس ابد در خانه تاکید کرده‌اند، سپس در مواجهه با آیه جلد در سوره نور و حد رجم در سنت، حکم آیه را منسوخ دانسته‌اند، در این میان تنها خویی در البیان معتقد است که هر چند عبارت یاد شده به معنای حبس در خانه است اما حد نبوده و جهت جلوگیری از ارتکاب گناه برای دفعات بعد بوده و صرفاً جنبه پیشگیرانه دارد (خوئی، بی تا، ج ۱: ۳۱۲).

آیه دوم سوره طلاق سومین آیه‌ای است که فراز «فَأْمْسِكُوهُنَّ» در آن آمده است: «فَإِذَا بَلَغْنَ أَجْلَهُنَّ فَأْمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ.....»

«پس چون عده آنان به سر رسید، [یا] به شایستگی نگاهشان دارید، یا به شایستگی از آنان جدا شوید و دو تن [مرد] عادل را از میان خود گواه گیرید و گواهی را برای خدا به پا دارید. این است اندرزی که به آن کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد، داده می‌شود و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد.»

این آیه نیز به موضوع طلاق بین زوج‌ها پرداخته است و به گفته عموم مفسران منظور از امساک در این آیات اراده و قصد نگهداشتن همسر توسط شوهر با مراجعه و بازگشت به او و اظهار رغبت (بعد از طلاق رجعی) است؛ و از آنجا که در این آیه نیز، بسان آیه ۲۳۱ بقره بار دیگر بر امساک به معروف و مفارقت به معروف تأکید شده و علاوه بر آن لزوم گرفتن دو شاهد بر هریک از این امور اضافه شده؛ معانی زیادی برای امساک به معروف از سوی مفسرین بیان شده است؛ مواردی همچون رغبت قلبی بدون قصد ضرر زدن به زن از جهت طولانی کردن عده و امکان عدم ازدواج مجدد او، حسن معاشرت، لطف مراقت و رجوع همراه با پرداخت صداق، نفقه، کسوه و تهیه مسکن و به طور کلی ادای حقوق زن به نحو کامل (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۳۱۳؛ سید قطب، ج ۶، ص ۳۶۰؛ قرطبی، ج ۱۸، ص ۱۵۷؛ طوسی، ج ۱۰، ص ۳۲؛ ثعلبی، ج ۹، ص ۳۱۵؛ بیضاوی، ج ۵، ص ۲۲۰؛ ابن کثیر، ج ۸، ص ۱۶؛ شوکانی، ج ۵، ص ۲۸۸؛ کاشانی، ج ۹، ص ۳۱۴؛ طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۶۰؛ ثعالبی، ج ۵، ص ۴۴۴)؛ تأمل در این موارد نشان می‌دهد که امساک به خودی خود و به معنای اظهار تمایل بر حفظ زندگی مشترک با زن و رجوع و بازگشت به او حالتی است که ممکن است با آنچه در نیت و قلب مرد است یکی نباشد و با هر هدفی از سوی مرد از جمله قصد ظلم و تضییع حقوق زن صورت بگیرد اما زن متوجه این مسئله نبوده و این اظهار امساک از سمت شوهرش او را فریفته و متمایل به برگشت به زندگی مشترک سازد به خصوص که این مسئله زمانی است که طلاق اتفاق افتاده و در زمان عده به سر می‌برد.

بنابراین از نظر روانی و موقعیت نمی‌تواند صرف رجوع مرد بدون هیچ اظهار علاقه و تلاشی هر چند ظاهری جهت برگرداندن زن به زندگی مشترک مد نظر معنای لغت امساک در آیه باشد و دقیقاً در همین راستا است که خداوند با همراه ساختن امساک به صفت معروف، همسران خانواده اسلامی را متوجه این نکته می‌سازد که اسلام در این روابط و در وجدان و زبان مسلمان صداقت و پاکی از نیرنگ و دوگانگی می‌خواهد؛ ضمن اینکه با اضافه کردن شهادت دو شاهد، خواسته تا صداقت کلام همراه با ادای حقوق را از هر دو سمت تحکیم سازد (سید قطب، ج ۶، ص ۳۶۰).

واکاوی و نقد نظرات تفسیری پیرامون فراز «فَأَمْسِكُوهُنَّ» در آیات قرآن؛ موسائی پور | ۹۹

بدین قرار، حال، سوالی که مطرح می‌شود این است که این معنا برای فَأَمْسِكُوهُنَّ چگونه با معنای فراز فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ در آیه ۱۵ سوره نساء که بیشتر توضیح داده شد که عموم مفسران آن را به معنای حبس زن در خانه تا آخر عمر به عنوان حد و مجازات برای او می‌دانند؛ قابل جمع است؟ به عبارت دیگر آیا این نظر که آیه ۱۵ سوره نساء با معنایی که گذشت جزو حدود بوده و سپس با آیه جلد و حکم رجم در سنت منسوخ شده است درست بوده و قابل نقد نیست؟ برای روشنتر شدن این مسئله تأمل در نظرات ارباب لغت ضروری به نظر می‌رسد.

تحلیل لغوی

بی‌تردید، برای درک و فهم دقیق‌تر و تبیین پیام قرآن به گونه روشن‌تر، شناخت گستره معنایی لغات قرآن با تأمل و تکیه بر کتب لغت زبان عربی قدیم و اقدام که به عصر نزول قرآن نزدیکتر هستند؛ بسیار حائز اهمیت بوده و از جمله شاخصه‌های مطالعاتی حوزه تفسیر قلمداد می‌شود.

مداقه در این کتب ذیل واژه أَمْسَكَ که از ریشه «مَسَكَ» گرفته شده به خوبی آشکار می‌سازد که این واژه در اشکال مشتق خود از معانی گسترده و متنوعی برخوردار است. معانی که گاه فهم دقیق ارتباط معنایی آن‌ها برای ما که از دوران وضع این واژگان دور افتاده‌ایم اگر چه محال نبوده اما دشوار می‌نماید.

راغب اصفهانی بر این نظر است که معنای اصلی این کلمه به معنی حفظ کردن و یا دل بستن به چیزی است و به همین جهت به پوست و بشره بدن مَسَكَ گفته شده است، سپس نمونه‌هایی از آیات قرآن را ذکر می‌کند که در آن‌ها این معنا دیده می‌شود: وَيَمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ (حج/۶۵) یعنی آسمان را از سقوط حفظ می‌کند. یا در آیه: وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ (ممتحنه/۱۰) یعنی علقه‌های زنان کافر را نگه ندارید و هرگز متوسل به حفظ کفار نشوید. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۶۸)

لغت شناسان متقدم همچون ابن منظور، فراهیدی و صاحب المنجد اما درباره معانی این واژه به گستره بیشتر معنایی توجه داشته و مفاهیم و معانی بیشتری در اشکال متعدد و در

ساختارهای گوناگون برای این کلمه مطرح نموده‌اند. این لغوین اقدم و عرب زبان اصیل، معانی مختلفی همچون پوست و بشره بدن، دستبند، مُشک، عقل وافر، آنچه از طعام و نوشیدنی که رمق را حفظ کند، زمین سنگلاخ، چاه به سنگلاخ رسیده، محل نگهداری و انبار آب، اعراب بدوی، رَحِم زن و چنگ زدن و اعتصام را برای ریشه «مسک» بر شمرده- اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، صص ۴۹۰-۴۸۷، فراهیدی، ۱۹۹۶، ج ۵، ص ۳۱۸؛ معلوف، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۷۶۱)

در این میان فراهیدی به معنای حبس یا احتباس در گستره معنایی این واژه اصلاً اشاره‌ای نکرده و ابن منظور و معلوف نیز تنها در شکل اضافه به «علی» به صورت «امسک علی» یا به صورت‌های: «مسک بالشیء»، «امسک ب.» در معنای احتبس و حبسه به کاربرده‌اند (فراهیدی، ۱۹۹۶، ج ۵، ص ۳۱۸؛ معلوف، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۷۶۱)

دیگر ارباب لغت نیز بر معانی مشابه همچون گرفتن، مراقبت کردن، محکم نگه داشتن و چنگ زدن تاکید کرده؛ عموماً کاربردش در معنای حبس را بیشتر در حالت متعدی شدن با «ب» یا «علی» بیان کرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۲۵۸؛ مصطفی ابراهیم، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۸۶۹؛ ابن سیده اندلسی، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۷۳۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۶۴۱)

از آنچه صاحب نظران لغت درباره این واژه نگاشته‌اند و با توجه به آحاد معنایی گفته شده برای آن می‌توان برداشت نمود؛ گوهر معنایی این واژه که ریشه مشترک در تمام معانی یاد شده دارد؛ همان نگاهداشت همراه با توجه و مراقبت است. معنایی که در کاربست قرآنی آن در مورد زوجین بسیار قابل درک، ملموس و قابل تأمل است؛ و این همان نکته‌ای می‌تواند باشد که در تفسیر آیه ۱۵ نساء بسیار تأثیر گذار بوده و به نظر می‌رسد؛ از دید مفسرین مغفول مانده است. توضیح آنکه اگر معنای واژه در آیه مورد نظر را به معنای احتباس در خانه به عنوان مجازات و حد زنان در نظر بگیریم؛ در این صورت این سؤال ایجاد می‌شود که آیا حبس شدن در خانه از سوی همسر برای زنی که به هر دلیل (به خصوص جهالت، به قرینه دو آیه بعد که در مورد توبه و بخشش عمل سوء جاهلین

واکاوی و نقد نظرات تفسیری پیرامون فراز «فَأَمْسِكُوهُنَّ» در آیات قرآن؛ موسائی پور | ۱۰۱

صحبت می‌کند) به سوی خیانت به همسر کشیده شده است (برای بار اول)، زندگی مشترک آسیب دیده را درمان می‌کند؟ در این صورت تکلیف مردی که همسر خیانتکار دارد در این خانه چیست؟

اما اگر واژه را در معنای نگهداشت در خانه همراه با مراقبت و توجه معنا کنیم با توجه به آنکه با عبارت «فی البیوت» و نه «بالبیوت» آمده، می‌توان گفت؛ خداوند به مردان مسوول مسلمان توصیه می‌کند که اگر خیانتی بار اول از سوی همسران صورت گرفت؛ اینگونه خیانت را با مراقبت شدید و نگهداری در خانه (به شرط شهادت دادن ۴ مرد)، اما با علقه و دلبسته کردن زن به خانه و خانواده حل کنید تا دیگر بار به سمت خطا نرفته و جنبه پیشگیری داشته باشد.

برای تکمیل پژوهش و تأیید فرضیه پژوهش تأمل و توجه در کارکرد مفهومی واژه در بافت زبانی قرآن ضروری می‌نماید که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

کارکرد مفهومی واژه «مَسَكَ» در بافت زبانی قرآن

همان گونه که پیشتر ذکر شد، این ریشه ۲۷ بار در ۱۷ سوره و ۲۴ آیه قرآن آمده است که از این تعداد تنها یک مورد در حالت اسمی و به شکل «مَسَكَ» به اتفاق نظر مفسران به معنای مشک آمده (مطففین/۲۶) و باقی به صورت‌های گوناگون ماضی مضارع و مصدر در باب عموماً افعال و وکمر استفعال آمده است.

تأمل در کارکرد مفهومی واژه در این ۲۷ بار نشان می‌دهد که ۸ مورد، مربوط به ارتباط زوجها است که ۵ مورد آن در معنای نگهداشت همسر یا عدم آن و در مقابله با مفهوم طلاق است (بقره/۲۲۹، بقره/۲۳۱ دوبار، احزاب/۳۷، ممتحنه/۱۰، طلاق/۲ دوبار) و تنها مورد باقی مانده همین آیه ۱۵ سوره نساء است.

یک مورد، همراه با عَلٰی و به شکل «أَيْمَسِكُهُ عَلٰی هُونٍ...» (نحل/۵۹) و در معنای نگهداشت و مراقبت فرزند دختر، علی‌رغم خوارشدن از سمت جامعه زمان جاهلی به کار رفته (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۷۷) که با اضافه شدن به هون همراه با عَلٰی این نکته را می‌رساند که خود معنای یمسک صراحتی در معنای خواری و کم گذاشتن در نگهداری

ندارد.

در سایر موارد دیگر نیز این واژه بر اساس اتفاق نظر مفسران، در مفهوم آنچه حیوان شکاری گرفته و حفظ کرده (مائده/۴)، حفظ و نگهداری کتاب و مراقبت شدید و محکم نگهداشتن آن (بقره/۲۵۶، اعراف/۷۰، لقمان/۲۲، زخرف/۲۱، زخرف/۴۳) نگهداشتن آسمان و زمین و پرنده در حال پرواز در آسمان از سقوط (نحل/۷۹، حج/۶۵، فاطر/۴۱ دوبار، ملک/۱۹)، نگهداشتن خزاین رحمت و عطای پروردگار از رسیدن به مردم از ترس کم شدن و بخل (اسراء/۱۰۰، ص/۳۹)، عدم قدرت هیچ موجودی بر نگهداشتن و بازداشتن رحمت یا رزق پروردگار به خلق و نیز عدم قدرت بر گشودن آنچه خدا نگهداشته (فاطر/۲ دوبار، ملک/۲۱)، نگهداشتن جان یا قبض روح (زمر/۴۲) به کار رفته است.

از دقت در آیات قرآن و کاربست واژگانی، نکات ظریفی استنباط می‌شود. همه موارد قرآنی یاد شده در نگهداشت و مراقبت از سر توجه اشتراک معنایی دارند. این نگهداشت مبتنی بر مدت طولانی است به همین دلیل حتی عطر و مشک بهشتی و تاکید بر ماندگاری بوی آن که نشان از توجه به بهشتیان دارد با واژه مسک آمده یا در مورد قدرت خداوند بر حفظ آسمان‌ها و زمین و حفظ تعادل پرنده در آسمان و قبض روح به کار رفته است؛ همچنین کاربردش به صورت اضافه به ب یا علی در عبارتهای «فقد استمسک بالعروة الوثقی، فامسکوهن بمعروف یا ایمسکه علی هون» نشان می‌دهد که واژه در معنای ظاهری حفظ، مراقبت و نگهداشت از سر توجه، عمومیت دارد اما بسته به نیت فرد ممکن است آنچه عموم مردم برداشت می‌کنند و به عبارتی عرف جامعه می‌پندارد مد نظر فرد قرار نگیرد و از سر ظلم و تضییع حقوق باشد (بقره/۲۲ و ۲۳۱، فاطر/۲) یا تاکید در مراقبت به معنای نگهداری شدید و محکم (بقره/۲۵۶، زخرف ۲۱ و ۴۳) داشته باشد و نکته آخر اینکه این مراقبت و نگهداشت گاه در جهت بازداري و منع به کار رفته است (فاطر/۲، اسراء/۱۰۰، زمر/۳۸)

بدین قرار، اینک بر اساس موارد گفته شده می‌توان به معنای مدنظر قرآن از این واژه

واکاوی و نقد نظرات تفسیری پیرامون فراز «فَامْسُكُوْهُنَّ» در آیات قرآن؛ موسائی پور | ۱۰۳

در آیه ۱۵ نساء در فراز فامسکوهن فی البیوت نزدیک تر شد چرا که مشخص شد این واژه در معنای نگهداشت و مراقبت از سر توجه در بافت زبانی قرآن عمومیت دارد؛ بنابراین اثبات حبس در معنای حد برای آن دشوار می نماید. برای روشنتر شدن بحث اما به بررسی دیگر قراین در آیه می پردازیم.

تعیین موضوع آیه با توجه به سیاق و بافت آیات قبل و بعد در سوره

یکی از نکات مهم و راهگشا اما مغفول از سوی جمهور مفسران در تفسیر آیه ۱۵ نساء که متضمن فراز: «فامسکوهن فی البیوت» می باشد، ارتباط معنادار این آیه با آیات قبل و بعد از خود، به لحاظ موضوعی و معنایی است؛ به عبارتی توجه به بستر و بافت و سیاق این آیه مورد تأمل است.

دقت در آیات ابتدایی سوره نساء تا این آیه، یعنی ۱۴ آیه ابتدایی نشان می دهد که سرآغاز بحث و تمرکز محوری و موضوعی آیات بر خانواده اسلامی و احکام مربوط به آن است.

همچنین، در نگاه کلی، سوره، بیشتر به مواردی همچون قوانین مربوط به ازدواج و برنامه هائی برای حفظ عفت عمومی، قانون ارث بر اساس یک روش طبیعی و عادلانه (در برابر شکل بسیار زنده ای که در آن زمان داشت و به بهانه های مختلفی افراد ضعیف را محروم می ساختند)، قوانین کلی برای حفظ اموال عمومی، کنترل و نگهداری و بهسازی نخستین واحد اجتماع یعنی محیط خانواده می پردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۷۳)؛ همچنین آیات بعد از این دو آیه نیز، از توبه حقیقی و پذیرش آن به شرط اصلاح، سخن می گوید که به طور خاص آیه ۱۷ با همان ضمایر مثنی در پیوستگی و اتصال موضوعی با این آیات صراحت دارد؛ اما مفسران بی توجه به این پیوند، تلاشی در جهت آشکار کردن این رشته اتصال و توضیح آن نداشته و عموماً تمام توجه و تمرکز خود را یا بر معنای فاحشه گذاشته یا بر نحوه تناسب حکم دو آیه با حدود (و در نتیجه امکان یا عدم نسخ) معطوف داشته اند و بیشتر بر شرح و تفسیر این دو آیه مستقل از قبل و بعد مبادرت ورزیده اند.

بر پایه مقدماتی که ذکر شد می‌توان گفت؛ توالی آیات ابتدایی سوره نساء در حوزه خانواده، نشانه و قرینه‌ای بر این احتمال است که آیه ۱۵ و آیه بعد آن که به آیات اتیان فاحشه معروف هستند؛ در ادامه همین موضوع آمده باشد و موضوع خیانت در حوزه خانواده را بررسی و به دنبال حکمی جهت تطهیر بیوت از آلودگی و اختلاط ارحام پس از آیات ارث و دیگر احکامی باشد که همه آن‌ها بر پایه خانواده است؛ بنابراین لحاظ شرایط خانواده در تفسیر آیه قابل تأمل است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

تفسیر فراز «فامسکوهن» آیه ۱۵ سوره نساء با رویکرد متفاوت

بر اساس همه آنچه تاکنون مورد نگارش و تحلیل قرار گرفت؛ اکنون می‌توان نگاه جدید و متفاوت با آراء عموم مفسران سلف صالح از آیه ۱۵ با تأکید بر گستره معنایی لغات و نیز ارتباط آیه با بافت سوره و به خصوص آیات قریب به آن را مطرح نمود.

بعد از مبحث لغت شناسی، توالی آیات با موضوع و محور خانواده حلقه اول کشف منظور و مفهوم آیه است. سیاق و عطف آیه با آیه قبلش و رجوع ضمائر که پیوستگی و ربط دوآیه در مفهوم و حکم را می‌رساند؛ نیز دومین حلقه در تفسیر آیه است و چون در آیه ۱۵ به قرینه من نساء کم که در آیات دیگر قرآن نیز در مورد زوج‌ها و خانواده اسلامی همین اضافه آمده است، بیان حکم زنانی از خانواده اسلامی است که شوهر دارند و مرتکب خیانت جنسی می‌شوند؛ با این تفصیل که مرد مسوول است اگر همسرش به سوی چنین زشتی برود باید او را در خانه نگه دارد و با مراقبت و توجه عاطفی او را به زندگی مشترک و تعهد بازگرداند و این نگهداری در خانه تا پایان عمر نیاز است مگر درحالی که با توجه به سَبِيلًا که در ادامه آیه در عبارت «أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» به صورت مطلق آمده، هر راه ممکن شامل حالش شود و او را از این بن بست و دوام امساک برهاند مثلاً یک راه در حالتی است که چنین مراقبت همه جانبه‌ای نتیجه ندهد و زن را متوجه زندگی مشترک نکرده و سر به راه نشود که رها شدن و رانده شدن از محیط خانواده و اجتماع اسلامی باشد یا طلاق انجام شود و ازدواج مجدد صورت بگیرد و دوم در حالتی که مراقبت‌ها حاصل دهد و زن به همسر خویش متعهد شود و از رفتار گذشته خویش پشیمان گشته و توبه کند

که در دو آیه بعد آمده است.

نکته قابل توجه اینکه هر دو حالت مفروض شده با عبارت «لَهُنَّ» در آیه تناسب دارد چرا که آیه شریفه از راهی صحبت می کند که نسبت به امساک در خانه برای زنی با آن شرایط، خوشایندتر باشد؛ بنابراین نمی توان آنطور که بیشتر مفسران نظر داده اند حدود رجم یا جلد باشد و قائل به نسخ شد؛ به خصوص حکم نسخ با رجم که نسخ کتاب به سنت است و محققین آن را رد کرده اند.

حالت سومی نیز می توان در نظر گرفت که ممکن است حکم رجم به امام و والی واگذار شده باشد به این معنا که در شرایطی مثل وقتی که کار فحشاء زن، به رسوایی و بی بند و باری بکشد؛ اجرا گردد؛ چرا که به قرینه حکم جلد در آیه ۲ سوره نور که به طور خاص بر زنا توجه دارد؛ با توجه به وصف «الزَّانِي وَالزَّانِيَةُ»، متصفین به این صفت را شامل می شود که رهای از خانواده اند و یا این عمل را پیشه خود قرار داده اند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۶۲)

همچنین در پاسخ به این اشکال که گفته شود حکم امساک در بیوت هیچ گاه اجرا نشده یا خبرش نرسیده می توان گفت گویا از این جهت است که اگر موردی در محیط خانواده اسلامی پیش آمده بسیار پنهانی و اتفاقی بوده و اثبات آن با چهار شاهد پیش نیامده و این حکم مثل دیگر احکام بیشتر جنبه پیشگیری داشته است.

به عبارت دیگر این حکم بدین مناسبت تشریع شده است که آزار تکاب معصیت برای دومین بار و تکرار آن ممانعت و جلوگیری به عمل آید اما حکم تازیانه و سنگسار برای تأدیب شخص نسبت به خلافی که مرتکب گردیده است و نیز برای عبرت دیگران و ترساندن و حفظ نمودن سایر زنان از آلوده شدن به چنین گناه و عمل ناپسند، تشریع شده است. (خوئی، بی تا، ج ۱: ۳۱۲)

بدین قرار، اینکه برخی مفسرین انواع زنان و مردان محصن و غیر محصن را در آیه تقسیم بندی کرده و سعی در بیان حکم هر یک به طور خاص نموده اند ضمن اینکه از هیچ جای آیه به دست نمی آید؛ به دلیل اینکه قرینه ای نیز برای آن نیست و خلاف ظاهر است

رد می‌شود.

دستاورد های پژوهش

این مقال، ضمن اینکه به بررسی فرازی از آیات قرآن با رویکرد انتقادی مبتنی بر تحلیل واژگان و تفسیر قرآن به قرآن پرداخت؛ از جنبه عمومی مبادرت به تفسیر نیز در بردارنده نکاتی به شرح زیر است:

– مذاقه در قرآن کریم به عنوان یک مجموعه بهم پیوسته که به تأیید خود، هر بخش آن بخش دیگر را تصدیق می‌کند، باید با اهتمام به مجموعه آیات قرین به هم و کشف ارتباط حاکم بر آن‌ها جهت دستیابی به نکات فراگیر و حقیقت اصیل معارف دینی همراه باشد؛ این امر، جز با دقت در اصطلاحات و گوهر معنایی لغات و نیز فضای سوره، قرائن و سیاق آیات، به دست نمی‌آید. عدم توجه به فقرات قرآن و فضای موجود بر آیات آن، منجر به مواجهه با اشکالات جدی در تفسیر شده که خود سرآغاز شبهاتی (از جمله شبهات مربوط به حقوق زنان) می‌شوند که هزینه‌های هنگفتی برای جامعه اسلامی و تبیین اسلام اصیل خواهد داشت.

– باید به سنت شکنی‌های باریک بینانه و ظریف قرآن در بسیاری آیات اهتمام جدی داشت؛ عدم توجه به این مسئله سبب شده، گاه، در موضعی از قرآن، بسیاری از قرآن پژوهان و حتی مفسران با اتکا به پیش فرضها و پیروی از نظرات تفسیری سلف خود، از درنگ و تدقیق بازمانده به توجیهات و برشمردن دلایل و چرایی‌ها برآیند. این نکته به معنای کم انگاشتن و پایین پنداشتن جایگاه گرانسنگ این دانشمندان و عالمان بزرگوار و نادید گرفتن زحمات آن‌ها نیست اما آنچه مبرهن است اینکه به جز کتاب شریف قرآن که سخن خالق یکتا است؛ هیچ مکتوبی مبرای از نقد و نقص نیست.

نتیجه گیری

براساس آنچه آمد از بررسی آیات متضمن فراز «فَأَمْسِكُوهُنَّ» نتایج زیر حاصل می‌شود:

– تأمل در سیاق، بافت و توالی آیاتی که فراز مذکور را در خود دارند؛ نشان می‌دهد که

واکاوی و نقد نظرات تفسیری پیرامون فراز «فَأْمْسِكُوهُنَّ» در آیات قرآن؛ موسائی پور | ۱۰۷

این آیات با محوریت خانواده اسلامی با هدف تبیین رفتار و تعامل صحیح زوجین با یکدیگر در شرایط متفاوت و در جهت حفظ کانون خانواده از فروپاشی تاکید دارند.

-تحلیل لغوی و دقت در گستره معنایی ریشه «مسک» در قرآن نشان می‌دهد که گوهر معنایی این واژه، نگاهداشت و حفظ همراه با توجه و مراقبت است. معنایی که در آیات مربوط به زوجین بسیار متناسب و قابل تأمل است.

- بر اساس تحلیل صورت گرفته و با تأمل در بافت سوره و سیاق آیه و نیز تمرکز بر لغت، می‌توان گفت؛ امساک در بیوت که در آیه ۱۵ نساء آمده است؛ حکمی پیشگیرانه جهت ممانعت از تکرار خیانت برای زنان از سوی همسران در خانواده اسلامی است که تاکید در مراقبت همراه با توجه دارد تا شرایط بازگشت و اصلاح زن و رهایی از امساک ابدی را فراهم سازد. در واقع، آیه در صدد بیان حکم زنانی از خانواده اسلامی است که شوهر دارند و مرتکب خیانت جنسی می‌شوند؛ با تمرکز بر این نکته مهم که مرد مسوول است اگر همسرش به سوی چنین زشتی برود، او را در خانه نگه دارد و با مراقبت و توجه عاطفی در گام اول، او را متوجه خطا و اشتباه خود کرده و به زندگی مشترک و تعهد بازگرداند.

- بر مبنای معنا و تفسیر جدید، آیه مذکور صراحتی در بیان حد نداشته و در نتیجه هیچ نسخی نیز اتفاق نیفتاده است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mahboubeh
Mousaeipour



<http://orcid.org/0000-0003-2559-5285>

منابع

- قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- ابن سیده اندلسی، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ ق). *المحكم والمحیط الاعظم* (محقق: هندای). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ ق). *التحریر و التنبیر*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق. (۱۴۲۲ ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب* (چ ۳). بیروت: دارصادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن محمود. (۱۴۰۸ ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ ق). *تفسیر البغوی (معالم التنزیل)*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله عمر. (۱۴۱۸ ق). *انوار التنزیل و اسرار التأویل* (چ ۱). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ ق). *الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن* (محقق: ابوسنه، عبدالفتاح). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ ق). *الکشف و البیان*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- خوئی، ابوالقاسم. (بی تا). *البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالزهراء.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *مفردات الفاظ قرآن*. بیروت: دارالقلم.
- زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق). *تفسیر الکشاف (مصحح: حسین احمد)*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- سمرقندی، نصرین محمد. (۱۴۱۶ ق). *بحر العلوم*. بیروت: دارالفکر.
- سیدقطب، ابراهیم حسین الشاربی. (۱۴۱۲ ق). *فی ظلال القرآن*. قاهره: دارالشروق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طالقانی، محمود. (۱۳۶۲ ش). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارحیاء التراث العربی.

- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). *مفاتیح الغیب* (چ ۳). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۹۹۶ م). *العین*. بیروت: مکتبه الهلال.
- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱ ش). *قاموس قرآن* (چ ۶). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ ش). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- مصطفی، ابراهیم. (۱۹۸۹ م). *المعجم الوسیط*. ترکیه: دارالدعوه.
- معلوف، لویس. (۱۳۶۵ ق). *المنجد فی اللغة*. قم: اسماعیلیان.
- مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نحاس، احمد بن احمد. (۱۴۲۱ ق). *اعراب القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

References [In Persian & Arabic]

- The Holy Quran, translated by Fouladvand. [In Persian]
- Abul Fattuh Razi, Hossein bin Mahmud. (1987). *Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinnan fi Tafsir al-Qur'an*. Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Persian]
- Baghwi, Hossein bin Masoud. (1999). *Tafsir al-Baghwi (Maalam al-Tanzil)*. Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi. [In Arabic]
- Baizawi, Abdullah Omar. (1997). *Anwar al-Tanzil and Asrar al-Taawil*. Beirut: Darahia al-Tarath al-Arabi, Chapter 1. [In Arabic]
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar. (1999). *Mufatih al-Ghaib*. Beirut: Darahia al-Tarath al-Arabi, Chapter 3. [In Arabic]
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1996). *Al-Ain*. Beirut: Al-Hilal School. [In Arabic]
- Ibn Seyda Andalsi, Ali Ibn Ismail. (2000). *Al-Muhakam and Al-Muhait al-Azam*. Maqqah: Hindawi, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir. (1999). *Tahrir and al-Tanvir*. Biot: Institute of Al-Tarikh Al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Atiyyah, Abdul Haq. (2001). *Al-Muhrarrar al-Alujiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (1993). *Lasan al-Arab*. Beirut: Dar Sader, Chapter 3. [In Arabic]
- Khoi, Abu al-Qasim. (n.d.). *Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Zahra. [In Arabic]
- Mustafa, Ebrahim. (1989). *Al-Mujam al-Wasit*. Türkiye: Dar al-Dawa. [In Arabic]
- Maalouf, Louis. (1946). *Al-Munjad fi al-Lagheh*. Qom: Ismailian. [In Persian]
- Muqatil bin Suleiman. (2002). *Tafsir of Muqatil bin Suleiman*. Biot: Darahiya al-Tarath al-Arabi. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, Nasser. (1951). *Tafsir al-Nashon*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Persian]
- Nahas, Ahmad bin Ahmad. (2000). *Arabs of the Qur'an*. Beirut: Dar al-Kitab al-

- Ulamiya. [In Arabic]
- Qureshi, Seyyed Ali Akbar. (1951). *Quran Dictionary*. Tehran: Darul Kitab al-Islamiyya, Chapter 6. [In Persian]
- Qortubi, Mohammad bin Ahmad. (1945). *Al-Jame Lahkam Al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad. (1991). *Vocabulary of Quranic Words*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Samarkandi, Nasr bin Muhammad. (1995). *Bahr al-Uloom*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Seyyed Qutb, Ibrahim Hossein Al-Sharabi. (1991). *In the Shadows of the Qur'an*. Cairo: Dar al-Shuruq. [In Arabic]
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr. (1984). *Al-Dar al-Manthur fi al-Tafsir al-Mathur*. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library. [In Persian]
- Taleghani, Mahmoud. (1943). *Partoi Az Qur'an*. Tehran: Publishing Company. [In Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (2013). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Al-Alami Institute for Publications. [In Arabic]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1953). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosro. [In Persian]
- Tabari, Muhammad bin Jarir. (1991). *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marafa.
- Tusi, Muhammad bin Hassan. (n.d.). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Darhiya al-Trath al-Arabi. [In Arabic]
- Thaalabi, Abd al-Rahman bin Muhammad. (1997). *Al-Jawahir al-Hasan fi Tafsir al-Qur'an*. Scholar: Abu Sunnah, Abd al-Fattah. Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi. [In Arabic]
- Thaalbi, Ahmad bin Muhammad. (2001). *Al-Kashf and Al-Bayan*. Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi. [In Arabic]
- Zubaydi, Muhammad ibn Muhammad. (1993). *Taj al-Arus Man Jawaher al-Qamoos*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (1987). *Tafsir al-Kashaf*. Revised by: Hossein Ahmad. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]

استناد به این مقاله: موسائی پور، محبوبه. (۱۴۰۴). واکاوای و نقد نظرات تفسیری پیرامون فراز «فَاقْسِکُوهُنَّ» در آیات قرآن، دو فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۶ (۵۰)، ۸۹-۱۱۰. DOI: 10.22054/ajsm.2024.77007.1987



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.